275500 ـ هشدار نسبت به جوک‌هایی که شامل تمسخر به سوره‌های قرآن است

سوال

متاسفانه از طریق واتس اپ پیامی به این مضمون دریافت کردم: از یکی پرسیدند: در ماه رمضان کدام سوره‌ها را بیشتر دوست داری؟ گفت: مائده (سفره‌ی غذا)، دخان (دود) و نساء (زنان)!!! خواهشمندم حکم چنین جوک‌هایی را بیان کنید.

پاسخ مفصل

الحمدلله.

چنین سخنی منکری بس بزرگ و تمسخر کلام الله است که بزرگترین و شریف‌ترین کلام است. کسی که کلام الله را به تمسخر گیرد کافر است و شدیدترین وعید متوجه اوست، چنانکه الله متعال می‌فرماید:

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهْزِئُوا إِنَّ اللَّهَ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ (۶۴) وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ (۶۵) لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفُ عَنْ طَائِفَةٍ مِنْكُمْ نُعَذِّبْ طَائِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ [توبه: ۶۴ ـ ۶۶]

(منافقان از این می‌ترسند که [مبادا] سوره‌ای درباره‌ی آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دلهایشان هست خبر دهد. بگو ریشخند کنید، بی‌تردید الله آنچه را که [از آن] می‌ترسید برملا خواهد کرد (۶۴) و اگر از ایشان بپرسی مسلماً خواهند گفت ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم. بگو آیا الله و آیات او و پیامبرش را ریشخند می‌کردید؟ (۶۵) عذر نیاورید؛ شما پس از ایمانتان کافر شده‌اید. اگر از گروهی از شما درگذریم گروهی [دیگر] را عذاب خواهیم کرد چرا که آنان تبهکار بودند).

تنها سفیهان و آنانی که بر حدود خداوند جرات دارند مرتکب چنین چیزی می‌شوند و گمان دارند با این کار شوخی و تفریح می‌کنند، همانند کاری که منافقان کردند و این آیه‌ی کریمه درباره‌شان نازل شد.

امام طبری در تفسیر خود (۱۴/ ۳۳۳) از سعد، از زید بن اسلم روایت کرده که مردی از منافقان در غزوه‌ی تبوک به عوف بن مالک گفت: این قاریان ما را چه شده؟ خوش شکم‌ترین مایند و دروغگوترین، و ترسوترین ما به هنگام رویارویی با دشمن؟! عوف به او گفت: دروغ گفتی، بلکه تو منافقی! بی‌شک این را به رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ خواهم گفت. پس عوف به نزد رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ رفت تا او را آگاه سازد، اما دید که قرآن از او سبقت گرفته. زید می‌گوید: عبدالله بن عمر گفت: پس او [یعنی آن منافق] را دیدم که از زمام شتر رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ آویزان بود و در

حالی که بر سنگریزه‌ها کشیده می‌شد می‌گفت: إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ [توبه: ۶۵] (ما فقط شوخی و بازی می‌کردیم!) و پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در پاسخش می‌گفت: أَبِاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِئُونَ [توبه: ۶۵] (آیا الله و آیات او و پیامبرش را به ریشخند می‌گرفتید؟) و بیش از این نمی‌گفت.

ابوبکر ابن العربی ـ رحمه الله ـ در تفسیرش (۲/ ۵۴۳) می‌گوید: گفته‌شان از دو حالت خارج نیست که یا به شوخی بود یا جدی، و آن در هر صورت کفر است؛ چرا که شوخی به کفر کفر است و در این باره میان ائمه اختلافی نیست، زیرا تحقیق برادر حق و علم است و شوخی برادر باطل و جهل.

این سوره‌های گرانقدر حاوی احکام و تشریعات و اندرزهایی است که مومن آن را دوست می‌دارد چرا که کلام خداوند است، نه برای آنکه در آن ذکر از مائده (سفره‌ی غذا) یا ذکر نساء (زنان) رفته است، تا چه رسد که آن را به روزه‌دار ربط بدهیم که از شهوت شکم و زیر شکم ممنوع است.

از سوی دیگر این شوخی و جوک زشت شامل تحریف کلام الله و حمل آن بر یک چیز حرام است، زیرا دخان (دود) ذکر شده در قرآن یک آیه و نشانه از نشانه‌های قیامت است نه آن دود حرامی که این شخص و امثال او مصرف می‌کنند و این شخص تمسخر کننده‌ی بدکار آرزویش را دارد.

الله متعال می‌فرماید:

فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ (۱۰) يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ (۱۱) رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ (۱۲) أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ [دخان: ۱۰ ـ ۱۳]

(پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد (۱۰) که مردم را فرو می‌گیرد. این است عذاب پر درد (۱۱) [می‌گویند] پروردگارا این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم (۱۲) آنان را کجا [جای] پند [گرفتن] باشد و حال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است).

واجب است که کسی که چنین پیامی را برایش فرستاده‌اند، به سبب آنکه شامل کفر به الله و تمسخر کلام اوست، فرستنده را نصیحت کند و آن را بازنشر نکند.

باید از زبان بر حذر بود چرا که یک سخن ممکن است صاحب خود را به اندازه‌ی فاصله‌ی مشرق و مغرب در دوزخ سرنگون کند.

بخاری (۶۴۷۸) و مسلم (۲۹۸۸) از ابوهریره روایت کرده‌اند که وی از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ شنید که می‌فرماید: بنده سخنی را از [روی] خشنودی الله به زبان می‌آورد که به آن توجهی نمی‌کند و الله به سبب آن درجاتش را بالا می‌برد، و بنده

سخنی از خشم الله بر زبان می‌آورد که آن را مهم نمی‌داند اما به سبب آن در جهنم سقوط می‌کند.

و بخاری (۶۴۷۷) و مسلم (۲۹۸۸) از ابوهریره روایت کرده‌اند که از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ شنید: همانا بنده سخنی را به زبان می‌آورد و در آن دقت نمی‌کند، و به سبب آن دورتر از آنچه بین مشرق [و مغرب] است [در آتش] می‌افتد.

و نزد ترمذی (۲۳۱۹) و ابن ماجه (۳۹۶۹) از بلال بن حارث مُزَنی صاحب رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ روایت شده که گفت: از رسول الله ـ صلی الله علیه وسلم ـ شنیدم که می‌فرمود: یکی از شما سخنی از خشنودی الله به زبان می‌آورد و گمان نمی‌کند که به چنان جایی که می‌رسد برسد، پس الله به سبب همان خشنودی‌اش را [از آن بنده] تا روزی که به دیدارش می‌رود می‌نویسد، و کسی از شما سخنی از خشم الله به زبان می‌آورد و گمان نمی‌کند که به چنان جایی برسد، پس الله به سبب آن خشمش را بر وی تا روزی که به دیدارش رود می‌نویسد آلبانی آن را در صحیح سنن ترمذی صحیح دانسته است.

از الله سلامت و عافیت خواهانیم.

باید بدانید که به اتفاق علما شوخی به کفر، کفر است، چنانکه در سخن ابن عربی گذشت، بنابراین شرط نیست که قصد شخص تمسخر باشد.

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ می‌گوید: «اینجا سه درجه وجود دارد: مرتبه‌ی نخست: این که قصدش همان سخن و ناسزا باشد که این کار شخصی است که قصدش جدی است همانطور که منظور دشمنان اسلام از دشنام دادن به اسلام است.

دوم: این که سخن را به قصد آن بگوید (یعنی به قصد معنایش و با فهم آن) اما بدون دشنام. یعنی قصدش سخنی است که دال بر ناسزا است، اما حرفش از روی شوخی است نه جدیت. این نیز حکمش مانند مورد نخست است یعنی کافر می‌شود زیرا سخنش استهزاء و تمسخر است.

مرتبه‌ی سوم این است که قصدش نه خود کلام و نه دشنام و ناسزا باشد، بلکه بدون قصد کلمه‌ای دال بر ناسزا و سب بر زبانش آید، نه به قصد آن کلام و نه به قصد دشنام. چنین کسی مورد مواخذه نیست و سخن الله متعال در مورد امثال اوست که می‌فرماید:

لا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ [بقره: ۲۲۵]

(الله شما را برای سوگندهای لغوتان بازخواست نمی‌کند).

که این مردی است که در اثنای سخنش می‌گوید: نه والله، و بله بالله، یعنی بدون قصد [و از روی عادت و تکیه کلام] که برایش در حکم سوگند منعقد نمی‌شود. بنابراین هر چه بدون قصد انسان بر زبانش جاری شود حکمی ندارد» فتاوی نور من الدرب.

والله اعلم